

## انقلابی ماندن با تأکید بر اندیشه های شهید مطهری (۱) «شناخت انقلاب، ضرورت انقلابی ماندن»

### مقدمه:

از آنجا که مقام معظم رهبری (مدظله) مبنای فکری جمهوری اسلامی را آثار شهید مطهری می داند و خط شهید مطهری می تواند انقلاب را از نظر فکری حفظ کند، وقتی بحث انقلابی ماندن را مطرح می فرمایند باید به متفکر شهید آیت الله مطهری مراجعه نمود.

متفکر شهید آیت الله مرتضی مطهری (رضوان الله تعالی علیه) تحلیل نهضت اسلامی ایران را برای همگان چه برای افرادی که خود در آن نهضت شرکت داشته اند و چه برای آیندگان تاریخ که بخواهند درباره آن قضاوت نمایند، امری ضروری و حیاتی می داند و به نظر ایشان باید ماهیت، هدف، رهبری و آفات نهضت مورد بررسی قرار گیرد. از سویی نیز برای انقلابی ماندن لازم است انقلاب و اهداف آنرا شناخت تا بتوان با آگاهی از ماهیت آن مسیر درست را گم نکنیم و انقلابی بمانیم و در راه رسیدن به اهداف آن گام برداریم.

نوشتار پیش رو خلاصه ای از بررسی ماهیت و هدف نهضت اسلامی می باشد که استاد در کتاب بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر مطرح نموده اند. لازم به ذکر است برای حفظ امانت، تنها به تلخیص عبارتهای استاد پرداخته شده و از تصرف در متن خودداری شده است.

### ماهیت نهضت

وقایع و حوادث اجتماعی و تاریخی همانند پدیده های طبیعی احياناً از نظر ماهیت با یکدیگر اختلاف دارند. همه نهضت های تاریخی را نمی توان از نظر ماهیت یکسان دانست. هرگز ماهیت انقلاب اسلامی صدر اسلام با ماهیت انقلاب کبیر فرانسه و یا انقلاب اکتبر روسیه یکی نیست.

تشخیص ماهیت یک نهضت از راه های مختلف ممکن است صورت گیرد:

- از راه افراد و گروه هایی که بار نهضت را به دوش می کشند
- از راه علل و ریشه هایی که زمینه نهضت را فراهم کرده است
- از راه هدف هایی که آن نهضت تعقیب می کند
- از راه شعارهایی که به آن نهضت قدرت و حیات و حرکت می بخشد

## شناخت ماهیت نهضت از راه افراد و گروههایی که بار نهضت را به دوش می کشند

نهضت کنونی ایران به صنف و طبقه خاصی از مردم ایران اختصاص ندارد؛ نه کارگری است، نه کشاورزی، نه دانشجویی، نه فرهنگی. در این نهضت، غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو، پیلهور و صنعتگر، کاسب و کشاورز، روحانی و آموزگار، باسواد و بی‌سواد، یکسان شرکت دارند. یک اعلامیه که از طرف مراجع بزرگ عالی‌قدری که نهضت را رهبری می‌کنند صادر می‌شود در سراسر کشور و در میان عموم طبقات طنین یکسان می‌افکند.

این نهضت یکی از صدها واقعیت‌های عینی تاریخی است که بی‌پایگی نظریه مفسران مادی تاریخ و طرفداران ماتریالیسم تاریخی را- که اقتصاد را زیر بنای جامعه معرفی می‌کنند و هر جنبش اجتماعی را انعکاسی از تضادهای طبقاتی می‌دانند و همواره دست توسلشان به سوی دامن کشدار درگیریهای مادی و تضادهای طبقاتی دراز است و همه راهها را به شکم منتهی می‌فرمایند- برملا می‌کند.

### نهضت اسلامی نهضتی از تیپ نهضت پیامبران

این نهضت نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی برخاسته از «خود آگاهی الهی» یا «خدا آگاهی». این خود آگاهی ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است، از ضمیر باطن سرچشمه می‌گیرد. هرگاه تذکری پیامبرانه شعور فطری بشر را به خالق و آفریدگارش، به اصل و ریشه‌اش، به شهر و دیاری که از آنجا آمده و یک آشنایی مرموز نسبت به آنجا در خود احساس می‌کند، بیدار سازد، این بیداری خود به خود به دل‌بستگی به ذات جمیل علی‌الاطلاق منتهی می‌گردد.

دل‌بستگی به خدا که سرسلسله ارزشهاست به دنبال خود دل‌بستگی به کمال و زیبایی و عدل و برابری و گذشت و فداکاری و افاضه و خیررسانی در او به وجود می‌آورد.

آن احساسی که پیامبران در انسان بیدار می‌کنند، یعنی احساس خداجویی و خداپرستی که در فطرت هر فرد نهفته است و او را جویای تعالی و متنفر از کاستی و پستی در هر شکل و هر مظهر می‌نماید، به انسان ایده می‌دهد، او را طرفدار حق و حقیقت از آن جهت که حق و حقیقت است (نه از آن جهت که پیوندی با منافعش دارد) می‌نماید و دشمن باطل و پوچی می‌کند از آن جهت که باطل، باطل است و پوچی، پوچی است فارغ از هر منفعت یا زیانی. عدالت و برابری و راستی و درستی از آن جهت که ارزشهای خدایی هستند، خود به صورت هدف و مطلوب در می‌آیند نه صرفاً وسیله‌ای برای پیروزی در تنازع زندگی.

### نهضت اسلامی نتیجه بیداری خدایی

انسانی که بیداری خدایی پیدا می‌کند و ارزشهای متعالی انسانی برایش به صورت هدف در می‌آیند، از اینکه طرفدار یک فرد به عنوان یک فرد و یا دشمن یک شخص به عنوان یک شخص بشود آزاد می‌شود. او دیگر طرفدار عدل است نه عادل، دشمن ظلم است نه ظالم؛ طرفداری‌اش از عادل و دشمنی‌اش با ظالم از عقده‌های روانی و شخصی ناشی نمی‌شود، اصولی و مسلکی است.

وجدان اسلامی بیدار شده جامعه ما، او را در جستجوی ارزشهای اسلامی برانگیخته است و این وجدان مشترک و روح جمعی جوشان جامعه است که طبقات مختلف و احیاناً متضاد را در یک حرکت هماهنگ به راه انداخته است.

## شناخت ماهیت نهضت از راه علل و ریشه‌هایی که زمینه نهضت را فراهم کرده است

در نیم قرن اخیر<sup>۱</sup> جریان‌هایی رخ داده که بر ضد اهداف عالی‌ه اسلامی و در جهت مخالف آرمانهای مصلحان صد ساله اخیر بوده و هست و طبعاً نمی‌توانست برای همیشه از طرف جامعه ما بدون عکس‌العمل بماند.

### آنچه در این نیم قرن در جامعه اسلامی ایران رخ داد:

- استبدادی خشن و وحشی و سلب هر نوع آزادی.
- نفوذ استعمار نو، یعنی شکل نامرئی و خطرناک استعمار، چه از جنبه سیاسی و چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه فرهنگی.
- دور نگه داشتن دین از سیاست، بلکه بیرون کردن دین از میدان سیاست.
- کوشش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و احیای شعارهای مجوسی و میراندن شعارهای اصیل اسلامی: تغییر تاریخ هجری محمدی به تاریخ مجوسی یک نمونه آن است.
- قلب و تحریف در میراث گرانقدر فرهنگ اسلامی و صادر کردن شناسنامه جعلی برای این فرهنگ به نام فرهنگ موهوم ایرانی.
- تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی، یعنی جنبه‌های الحادی مارکسیسم منهای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن.
- کشتارهای بیرحمانه و ارزش قائل نشدن برای خون مسلمانان ایرانی و همچنین زندانها و شکنجه‌ها برای متهمان سیاسی.
- تبعیض و ازدیاد روز افزون شکاف طبقاتی علی‌رغم اصلاحات ظاهری ادعایی.
- تسلط عناصر غیر مسلمان بر مسلمانان در دولت و سایر دستگاهها.
- نقض آشکار قوانین و مقررات اسلامی، چه به صورت مستقیم و چه به صورت ترویج و اشاعه فساد در همه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی.
- مبارزه با ادبیات فارسی اسلامی که حافظ و نگهبان روح اسلامی ایران است به نام مبارزه با واژه‌های بیگانه.
- بریدن پیوند از کشورهای اسلامی و پیوند با کشورهای غیر اسلامی و احیاناً ضد اسلامی که اسرائیل نمونه آن است.

### تأثیر امور رخ داده و امثال اینها در جامعه در طول نیم قرن:

- وجدان مذهبی جامعه ما را جریحه‌دار ساخت و به صورت عقده‌های مستعد انفجار درآورد.
- جریان‌هایی در جهان رخ داد که چهره دروغین تبلیغات سیاسی دنیای لیبرال غربی و دنیای سوسیالیست شرقی را آشکار ساخت و امیدی که طبقات روشنفکر به این دو قطب بسته بودند تبدیل به یأس شد.
- از شهریور ۱۳۲۰ محققین و گویندگان و نویسندگان اسلامی توفیق یافتند که تا حدودی چهره زیبا و جذّاب اسلام واقعی را به نسل معاصر بنمایانند.

روحانیت آگاه و شجاع و مبارز ایران که از ناهنجاریهای گذشته رنج می‌برد و در پی فرصت مناسبی برای بپاخاستن بود، در این شرایط بپاخاست و نسل به ستوه آمده از ناهنجاریهای پنجاه ساله و سرخورده از غرب مآبی و شرق گرایی و آشنا به تعالیم نجاتبخش اسلام، به تمام وجود و هستی خود ندای روحانیت را لبیک گفت، و از چنین ریشه‌هایی بود که نهضت اسلامی ایران مایه گرفت.

### شناخت ماهیت نهضت از راه شعارهایی که به آن نهضت قدرت و حیات و حرکت می‌بخشد

شعارهای اسلامی نهضت، سراسر کشور را از مرکز تا دورترین دهات مرزی گرفته است. کسی به این مردم دیکته نکرده و برایشان شعار انتخاب نکرده است. این شعارها را مردم از اعماق ضمیر اسلامی خود الهام می‌گیرند. آیا در همه شعارهایی که این مردم از پیش خود ابتکار می‌کنند، شعاری غیر اسلامی دیده می‌شود؟

### شناخت ماهیت نهضت از راه هدفهایی که آن نهضت تعقیب می‌کند

این نهضت چه هدفی را تعقیب می‌کند و چه می‌خواهد؟ آیا دموکراسی می‌خواهد؟ آیا می‌خواهد دست استعمار را از این کشور کوتاه کند؟ آیا برای دفاع از آنچه امروز حقوق بشر نامیده می‌شود بپاخاسته است؟ تبعیضها، نابرابریها را می‌خواهد معدوم کند؟ ریشه ظلم را می‌خواهد بکند؟ ماتریالیسم را می‌خواهد نابود سازد؟

به اجمال در پاسخ به این پرسشها می‌توان گفت: آری و نه. آری، یعنی همه آن هدفها جزء اهداف نهضت است. و نه، یعنی محدود به هیچ یک از آنها نیست. یک نهضت اسلامی نمی‌تواند از نظر هدف محدود باشد، زیرا اسلام در ذات خود یک «کلّ تجزیه ناپذیر» است و با به دست آوردن هیچ یک از آن هدفها پایان نمی‌پذیرد. البته این به معنی این نیست که نهضت از نظر تاکتیک، برخی هدفها را بر برخی دیگر مقدم نمی‌دارد و مراحل وصول به هدف را در نظر نمی‌گیرد. مگر خود اسلام از نظر تاکتیک تدریجاً پیاده نشد؟ امروز نهضت مرحله نفی و انکار و در هم کوبیدن استبداد و استعمار را می‌پیماید. فردا که از این مرحله عبور کرد و به سازندگی و اثبات رسید، هدفهای دیگرش را دنبال خواهد کرد.

### اهداف کلی نهضت های اسلامی

جمله‌هایی که از مولای متقیان درباره هدفهای اصلاحی‌اش، و فرزند بزرگوارش حسین علیه السلام نیز عین آن جمله‌ها را در بیان نهضتی که قصد آن را داشت، در عهد معاویه در جمع کبار صحابه و شخصیت‌های برجسته اسلامی در موسم و موقف حج آورده است، به طور اجمال بیانگر اهداف کلی همه نهضت‌های اسلامی است، و البته در هر دوره‌ای هر نهضتی یک سلسله هدفهای فرعی و جزئی خاص خود نیز دارد.

۱- نَرَدُ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ: نشانه‌های محو شده راه خدا را- که جز همان اصول واقعی اسلام نیست- بازگردانیم؛ یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین؛ بدعتها را از میان بردن و سنتهای اصیل را جایگزین کردن؛ یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در روحها و ضمیرها و قضاوتها در زمینه خود اسلام.

۲- نَظْهَرِ الْاِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ: اصلاح اساسی و آشکار و چشمگیر که نظر هر بیننده را جلب نماید و علائم بهبودی وضع زندگی مردم کاملاً هویدا باشد، در شهرها و مجامع به عمل آوریم؛ یعنی تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا.

۳- يَا مَنَ الْمَظْلُومُونَ مِن عِبَادِكَ: بندگان مظلوم خدا، از شر ظالمان امان یابند و دست تجاوز ستمکاران از سر ستمدیدگان کوتاه شود؛ یعنی اصلاحی در روابط اجتماعی انسانها.

۴- تُقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِن حُدُودِكَ: مقررات تعطیل شده خدا و قانونهای نقض شده اسلام بار دیگر پیا داشته شود و حاکم بر زندگی اجتماعی مردم گردد؛ یعنی تحولی ثمربخش و اسلامی در نظامات مدنی و اجتماعی جامعه.

## رمز موفقیت حداکثری

هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عملی سازد به حداکثر موفقیت نائل آمده است:

- ۱- افکار و اندیشه‌ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعتها و خرافه‌ها را از مغزها بیرون براند
- ۲- به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد
- ۳- روابط انسانی انسانها را بر اساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد
- ۴- ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلامی قرار دهد

## نتیجه گیری:

بیداری خدایی طبقات مختلف جامعه موجب شد ارزشهای اسلامی به صورت هدف درآید و افراد مختلف جامعه در مقابل جریانهایی که بر ضد اسلام بود و وجدان مذهبی جامعه را جریحه دار می کرد، عکس العمل نشان دهند. شعارهای هماهنگ مردم که از درون آنها نشأت می گرفت اسلامی و نشان دهنده اعتراض عمومی به اوضاع حاکم بود. چنین وضعیتی باعث شد تمامی افراد جامعه با پیروی از مراجع عظام تقلید که رهبری نهضت را به عهده داشتند به پا خیزند و جهت احیای ارزشهای اسلامی و انسانی انقلاب کنند؛ انقلابی اسلامی و همگانی. پس وظیفه همه آحاد جامعه اسلامی است که همیشه و در همه شرایط روح خداجویی خود را بیدار کنند تا دشمن نتواند در لباس دوست به فریبکاری پردازد و مسئولیت خواص جامعه این است که در بیدار ماندن حس خداجویی و خداپرستی طبقات مختلف جامعه تلاش مناسب بنمایند.

۱. با توجه به اینکه مطالب این کتاب برای اولین بار در سال ۵۷ مقارن با فاجعه جمعه سیاه ۱۷ شهریور منتشر شده است هر جا استاد شهید تعبیر نیم قرن اخیر را به کار برده اند منظور ایشان نیم قرن منتهی به سال ۵۷ می باشد.